

پیک رضوان

دانگان

نشریه فرهنگی مذهبی پیک رضوان شماره چهل و یکم
ویژه مهرداد ماه سال ۱۴۰۲ شمسی ۱۴۹۳ هجری قمری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: همه چشمها در قیامت گریانند، جز سه چشم: چشمی که در دنیا از خوف خدا بگردید و چشمی که از نگاه حرام خودداری کند و چشمی که به خاطر نگهبانی در راه خدا بیدار بماند. *نور التقیین*، ج ۳ ص ۵۸۳

این نشریه حاوی اسماء متبرک است

جوانان روغن نباتی

بدن انسان سه ماده جیاتی و مهیم نیاز دارد: روغن، آب، نمک؛ اما متابفانه با دیسیسه های استعمال پیر، هر سه ماده مذکور که در دسترس مسلمین قرار گرفته به آلوگی و فساد کشیده شده که نتیجتاً بدین اکثر مردم جامعه ما دچار مرض های عجیب و غریب شده است. طبیعت این روغن نباتی (جامد و مایع) که امروزه مصرف میگردد پاییزی است یعنی این روغن؛ روغن سرد و مخصوص آهن آلات و دستگاههای فلزی است نه بدن انسان. در حالی که روغن محلی (کره حیوانی)، روغن دنبه، روغن پیه، روغن کنجد و روغن زیتون؛ روغن بهاری هستند و آن روغنی که برای بدن انسان نیاز است روغن بهاری است نه روغن سرد مخصوص آهن آلات. مصرف روغن های نباتی در بدن باعث رسوب کلسترول در دیواره رگ ها، تنگی عروق قلب، افزایش فشار خون و افزایش کلسترول بد خون و کاهش کلسترول خوب خون می گردد، اگر امروزه شاهد ظهور و بروز انواع بیماری های جدید هستیم علت عدمه اش مصرف روغن های نباتی (جامد و مایع) می باشد و نیز این سنتی و بی حالی و ضعف جسمانی که سراغ جوان ها آمده نتیجه مصرف همین روغن هاست



شیوه های یاری امام زمان علیه السلام (قسمت پنجم)
اگر کسی بخواهد خدا را یاری کند تا مشمول عنایات پروردگار و تنومند داشته و دارند که ساعت ها فعالیت می کنند بدون اینکه خسته شوند اما جوانهای امروزی با ده دقیقه فعالیت بدینی دچار سستی و رخوت شده و به نفس نفس می افتدند و اگر به مزاج گفته می شود اینها جوان های روغن نباتی هستند این مزاج اما متابفانه واقعیت است پس به هوش باشیم. اگر کسی دنبال راهکار اصلاح تغذیه، ارکان تندرستی و تعديل مزاج می گردد بداند که اگر در

روزی فاطمه - جان ها به فداشی - فضه را فرمود: (آیا خمیر میکنی یا دختر پادشاه نه تنها لباس فاخر، بلکه لباس سادهای نیز برای پوشیدن ندارد و از غذای سلطنتی که خبری نیست، به تان بخور و نمیر میکند. شاید در اندیشه فردا از خدای خویش میخواست تا مردانی از این شهر او را به خدمت بگیرند که به زیور علم و ادب آراسته باشند و گهر انسانیت وی را پاس بدارند تا درخت وجود او نیز در سایه سار نگهدارنده) ، استفاده از ظروف مسی و برنجی و سفالی لعابی به جای ظروف آلمنیوم و استیل و انجام حجامت لذا به جای استفاده از روغن های نباتی جامد و مایع، از روغن های حیوانی؛ روغن محلی (یا کره حیوانی گاو)، روغن دنبه و روغن پیه یا روغن زیتون و کنجد (روغن ارده از کنجد بهتر است) استفاده شود.

صرف روغن های مورد تایید در غذاهای ذیل پیشنهاد می گردد:
سرخ کردنی ها: روغن کنجد
برنج: روغن حیوانی حاصله از کره حیوانی گاو، روغن کنجد یا زیتون
سلافل فصل و نیز سالاد شیرازی: روغن زیتون
غذاهای خورشتی و آبگوشتی: روغن حیوانی گاو، روغن دنبه و پیه و روغن کنجد
شیوه های یاری قائم آل محمد، ص ۲۳ و ۲۴

بود که بزرگ مرد عرب
در خواست یار باوپایش را -
که جان به فدای هر دوشان باد -

پاسخ گوید. کنیزک هنوز چند قدمی بر

نداشته بود که در چوبی خانه ای گلی و کوچک

به صدا در آمد و او وارد شد. از آن روز که خود

را در میان مردمان عرب دیده بود، هیچ کس را چنین

شیشه به پیامبر اسلام و کودکانی چنین خوش سیما و

دوست داشتنی ندیده بود. دختر پیامبر با مهربانی او را

سلام داد، خوش آمد گفت و چون مهمان عزیزی وی را گرامی

داشت و با کلام خوش محتبت و نوازان نمود. پس از اندکی به

او فرمود: از امروز که یاور من در این خانه ای، چه بهتر که یک روز

من خانه داری کنم و تو بجهه داری کنی و روز دیگر تو خانه داری کنی

و من بجهه داری. به این ترتیب کار زیاد نه تو را خسته میکند و نه مرا

از عبادت خدای مهربان باز میدارد. سپس رسول خدا صلی الله علیه و

آل و سلم دختر غریب و تنها هندی اما مسلمان و موحد را فضه

خویش را بخواند. فضه که از بد و ورود انگشت حریت به دهان گرفته

بود، شاید با خود میگفت: (خدایا! این جا کجاست؟ بزرگ ترین مردمان

در ساده ترین خانه ها، کنیزکی غریب را سلام میدهند، نوازان می

کنند و سپس او را از خستگی کار زیاد باز میدارند). فضه داشت که

خوش بختی او را در آغوش گرفته است و سخت میفشد. او نیز دامان

محبت مهربان ترین مردمان را سخت چسبید و در خدمت ایشان کوشید.

فضه ره یافته کوی فاطمه سلام الله علیها
در بیت رحمت

دختر پادشاه هندکه دل به مهر خوبان بسته و آزوی رهایی از دیو و داد
در روزه بود، از هند تا بهشت زمین راه پیموده و رنج سفر او را
سخت آزده بود.

اما این که خود به عشق آزادی، زنجیر اسارت به گردن آویخته، یا قیصر
روم او را به اسارت درآورده و تحفه فرستاده بود، یا پادشاه حبشه با
ملک هند ستیز کرده و ایشان را هدیه فرستاده بود، خدایش بهتر
میداند.

به هر حال، امروز کنیزکی است لاغر و نمکین، با گروهی از فقرا - که
ایشان را اصحاب صفة گویند - نشسته و سر در گریبان تفکر فرو برد.
ایشان را شاید به دیروز میاندیشد.

پادشاه زاده ای که دیروز در سرزمینی سرسیز و خوش آب و هوا، در
کنار سبزه و گل و نهر روان مینشست و دخترکان او را خدمت میکردند
و بزرگان دربار درسش میدادند، امروز، در زیر تابش خورشید حتی
سايهای نمیباشد. در کنارش نه درختی، نه سبزه ای و نه جوی روایی.
سرزمینی خشک و بی آب و علف.

خدایا! این چه تقدیری است که پس از آن همه جلال و جبروت، اکنون
دختر پادشاه نه تنها لباس فاخر، بلکه لباس سادهای نیز برای پوشیدن

ندارد و از غذای سلطنتی که خبری نیست، به تان بخور و نمیر میکند
میکند. شاید در اندیشه فردا از خدای خویش میخواست تا مردانی از

این شهر او را به خدمت بگیرند که به زیور علم و ادب آراسته باشند و
گهر انسانیت وی را پاس بدارند تا درخت وجود او نیز در سایه سار
کمالات ایشان بار بگیرد و به ثمر بنشینند. دخترک همچنان در حذ
فاصل گذشته و آینده نگران و سر در گم هروله میکرد، که سلامی گرم
و لبخند مهربانی او را به خود آورد و افکار پریشانش سویی دیگر

گرفت. سرور مردمان عرب - که جان جهانیان به فداشی باد - از این که
خواهش پاره تن خویش را بی پاسخ گذاشته بود، دستان تاول زده اش

را جدید و از جای بند مشک آب بر سینه دخترش شنیده بود، ناراحت
بود. هر چند به جای کنیز، اورا ذکری آموخته بود که توانش میداد و او
نیز هر روز تسبیحی گلی را در دست میچرخاند و ۳۴ مرتبه الماکبر،
۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمد لله را تکرار میکرد. اما امروز

که روزگار مردمان مدینه خوش تر از دیروز میچرخید وقت آن رسیده

ایاورقی - ۴ اعلام النساء المؤمنات.

باجعفر بن حمد الصارق

هجده دستور درباره تنظیم استناد تجاری

در آیه ۲۸۲ سوره بقره کلمه دین به کار برده شده و نه قرض زیرا فرض فقط در مبالغه دو چیز که مانند یکدیگرند به کار می رود مثل این که کسی چیزی را وام می گیرد که انند آن را برگرداند ولی دین، هرگونه بدکاری را - خواه از طریق قرض گرفتن باشد یا معاملات دیگر - شامل می شود، مانند اجاره و صلح و خرید و فروش که یکی از دو طرف، چیزی را به عهده بگیرد. از این آیه که طولانی ترین آیه قرآن است، هجده دستور در مورد مقررات داد و ستد مالی استفاده می گردد که به ترتیب ذکر می شوند: ۱- هرگاه شخصی به دیگری قرض داد یا معامله ای انجام گیرد و یکی از طرفین بدکار شد، برای این که هیچ گونه اشتباہ و ادعایی بعدا پیدا نشود، باید قرارداد با تمام خصوصیات آن نوشته شود. ۲- برای این که جلب اطمینان شود و قرارداد از مداخلات احتمالی طرفین سالم بماند، نویسنده با شخص سومی پاشد. ۳- کاتب باید در نوشتن قرارداد، حق را در نظر بگیرد و عین واقع را بنویسد. ۴- تنظیم کننده سند که از احکام و شرایط معامله اطلاع دارد، به پاس این موهبتی که خدا به او داده است نباید از نوشتن قرارداد شانه خالی کند، بلکه باید طرفین معامله را در این امر اجتماعی کم کند. ۵- باید یکی از طرفین معامله، قرارداد را ملا کند یعنی بگوید تا کاتب بنویسد اما کدام یک از طرفین آیه می گوید: بدکار، یعنی آن کس که حق برگردان اوت. ۶- بدکار به هنگام املا باید خدا را در نظر بگیرد و چیزی را فرو نگذارد و همه را بگوید تا کاتب بنویسد. ۷- اگر بدکار، سفیه (کسی که نمی تواند امور مالی خود را سرو سامان بخشد و ضرر و نفع خویش را تشخیص دهد)، ضعیف (کوتاه فکر و کم عقل و مجنون) و گنج و لال بود، سپرپست او باید به جای او قرارداد را املا کند و تنظیم کننده سند بنویسد. ۸- ولی و سپرپست باید در املا و اعتراض به بدھی، عدالت و منافع کسی را که سرپرست اوت، در نظر بگیرد و از احتراف از حق دوری جوید. ۹- علاوه بر نوشتن، طرفین باید در قرارداد خود دو شاهد بگیرند. ۱۰- این دو شاهد باید بالغ و مسلمان باشند. ۱۱- یک مرد و دو زن نیز می توانند شاهد قرار گیرند. ۱۲- شهود باید مورد اطمینان باشند. ۱۳- در صورتی که شهود دو مرد باشند، هر کدام می توانند مستقلان شهادت بدهند، اما در صورتی که یک مرد و دو زن باشند، باید به اتفاق یکدیگر شهادت بدهند تا اگر یکی از آن دو زن به دلیل مسائل عاطفی تحت تاثیر قرار گرفت و در ادای شهادت اشتباھی کرد، دیگری یادآوری کند. ۱۴- بدھی، کم باشد یا زیاد، باید آن را نوشت. ۱۵- در صورتی که معامله کاملاً تقدی باشد، نوشتن قرارداد لازم نیست. ۱۶- هیچ گاه نباید تنظیم سند و نوشتن لازم نیست، باید شاهد گرفت. ۱۷- در معامله تقدی گرچه هستی شدن ندارم، زیرا من چهار هزار حدیث جعل و حال را حرام و حرام را برابر خداوند یافت شود، شانه عجز و ناتوانی خداوند است، و اگر یکی را برابر خداوند یافت شود، شانه عجز و ناتوانی خداوند است، و اگر قدرتی در حلال نموده ام و در ماه رمضان شما را به روزه خواری کشانده ام و در روز عید فطر وادر به روزه گرفتن کرده ام. ابوشاکر یکی دیگر از رهبران زنادقه است که افکار انحرافی اش بسیاری از مسلمانان را دچار شده و شک و تردید کرد. ۱۸- همکاری انتظامی و ضعیفی که در دیگری آشکار است. اگر بگویی که خدا دو علت ناتوانی و ضعیفی که در دیگری آشکار است. اگر بگویی که خدا دو تاست، از دو حال خارج نیست: یا هر دو در تمام جهات برابرند و یا از تمام جهات مختلف و متمایزند، چون ما امر خلقت را منظم می بینیم و فلک را در گردش و تدبیر جهان را یکسان؛ و شب و روز و خورشید و ماه را مرتب. درستی کار و تدبیر و هماهنگی آن، دلالت کند که نظام یکی است. علاوه بر آن، لازم است که باعث تقویت نظر و اندیشه ماست. گفتم: این آیه کدام هست؟ ابواشاکر گفت: اوست که در آسمان خداست و در زمین خدا. هشام می گوید: متاخر ماندم که در جواب او چه پاسخی بدھم. ایام حج فرارسید و روانه خانه خدا شدم. با امام صادق علیه السلام ملاقات و عرض کردم که ابوشاکر چنین می گوید و برداشت او را از آیه بیان کردم. امام صادق علیه السلام فرمود: این سخن، سخن زنديق است.

منظاره امام صادق علیه السلام با ابوشاکر دیسانی

هرگاه نزد او رفتی، از او پرس: نامت در کوفه چیست؟ او خواهد گفت: فلان. بگو: نامت در بصره چیست؟ باز هم همان نام را تکرار می کند. بگو: خدای ما نیز چنین است. خدای ما هم در آسمان «الله» است و هم در زمین «الله». هشام می گوید: (به کوفه) برگشتم و بدون هیچ توقفی، نزد ابوشاکر رفتم. آنچه امام صادق علیه السلام به من گفته بود، از او پرسیدم. ابوشاکر که درمانده شده بود و جوابی نداشت، گفت: این سخن (طرز استدلال) از آمده است: زنادقه همان دهربه هستند که می گویند: نه خدایی وجود دارد و نه بهشت و جهنمی. دهر است که ما را می میراند. از گفت و گوی امام موسی کاظم علیه السلام با هارون الرشید بر می آید که زنديق به کسی گفته می شود که خدا و رسولش را رد کند و به جنگ با آنها پردازد. اولین کسی که ملحد گشته و زنديق شد ابليس بود. ملحدین و دھريان مناظرات و گفت و گویاهی با پامبر اسلام داشتند که علامه طبرسی در کتاب الاحتجاج به بخشی از آنها اشاره کرده است: امام صادق علیه السلام مناظراتی طولانی و پولهایی را به عنوان زکوت و تبرعات می دهند و شیعیان هم چون غالبا در این مناطق محروم نگه داشته شده اند به صورت کارگر در کارهای ساختمانی آنها شریک می شوند، با توجه به مطالب فوق:

تقویت فرقه های باطل



سوال؟ با توجه به اینکه در مناطق جنوبی کشور بعض رستاها همچوar با هل تسنن می باشند و فعالیت تقویت می شود، به مرحله ای رسیده است که حتی معنوی کشورهای خلیج تقویت می شود، به مرحله ای رسیده است که حتی به بعضی از شیعیان به عنوان تالیف قلوب و تمایل شیعیان به مذاهب عامه پولهایی را به عنوان زکوت و تبرعات می دهند و گاهی در بروزه های مسجد سازی شیعیان هم کمک هایی را می کنند و شیعیان هم چون غالبا در این مناطق محروم نگه داشته شده اند به صورت کارگر در کارهای ساختمانی آنها شریک می شوند، با توجه به مطالب فوق:

۱- گرفتن این پولها به هر عنوانی که باشد حکمی چیست؟

۲- ساختن مسجد توسط آنها در مناطق شیعه نشین با توجه به اشاعه مذهب

۳- کارگری و مشارکت در امور اقتصادی آنان با توجه به اغراض و مقاصد مذهبی آنها در پوشش مسایل اقتصادی چه حکمی دارد؟

۴- سپردن امور روستا از طرف شیعیان بدست کسانی که غیر مذهب شیعه

دارند و در مقام تبلیغ و هابیت و تضییع حقوق شیعیان در روستاهایی که جمعیت مختلط دارند، می باشند، چه حکمی دارد؟

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

۱- ۲- ۳- در صورتی که باعث تقویت آنان و تضعیف مکتب اهلیت شود جایز نیست - ۴- جایز نیست.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

۱- اگر برگرفتن پولها مفسده ای مترتب شود، از قبیل تمایل شیعیان به آنها جایز نیست. ۲- تجویز مفروض سوال امکان ندارد. ۳- اگر عرفای کمک به مقاصد فاسد آنها باشد جایز نیست. ۴- مفروض سوال جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

۱- ۲- ۳- در صورتی که باعث تقویت آنان و تضعیف مکتب اهلیت شود جایز نیست - ۴- جایز نیست.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

۱- اگر برگرفتن پولها مفسده ای مترتب شود، از قبیل تمایل شیعیان به آنها جایز نیست. ۲- تجویز مفروض سوال امکان ندارد. ۳- اگر عرفای کمک به مقاصد فاسد آنها باشد جایز نیست. ۴- مفروض سوال جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

عملی که موجب تقویت و ترویج آنها شود جایز نیست. ۲- احتیاجی نیست

که آنان در این مناطق شیعه نشین مسجد درست کنند، چنانچه محل مناسبی برای ساختن مسجد در این مناطق به ما معرفی شود و احراز نیاز شود ممنیبی

هستند که مسجد درست کنند. ۴- سپردن امور مومنین به غیر مومن جایز

نیست و به اعمال و گفتار انها ترجیح اثر شرعی داده نمی شود.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

۱- ۲- ۳- ۴- همکاری اقتصادی با کفار و مشرکین فی نفسه حرام نیست،

ولی اگر به نحوی باشد، که موجب تقویت آنها و ترویج مذهب باطل آنها شود جایز نیست. لکن از معاملات با وهابیت جدا خودداری شود.

حضرت آیت الله بهجه:

۱- با علم به اعراض فاسد جایز نیست. ۲- ۳- ۴- هر کاری که تضعیف امور

ایمانیه و ترویج باطل است جایز نیست.

مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقليد، ص ۱۲۷



احکام دقیقی که در این آیه در مورد تنظیم سند برای معاملات ذکر شده، آن هم با ذکر جزئیات در تمام مراحل، بیانگر توجه عمیقی است که قرآن به امور اقتصادی مسلمانان و نظم کار آنها دارد. این توجه ویژه قرآن به ثبت قراردادها در جامعه عقب مانده ای که سود خواندن و نوشتن در آن بسیار کم و آورنده آن شخصی درس نخواهد بود، اهتمام این کتاب آسمانی به اصلاح نظام اقتصادی مسلمانان را به خوبی آشکار می کند.

قرآن کریم - تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸۲

منظاره ای دیگر

هشام می گوید: زنادقه همان دشمن است که شهود دو مرد باشند، هر کدام می توانند مناظره کرده، قسمتی از سخنان امام صادق علیه السلام به زندیق این بود: افتاد. گروهی نزد منصور رفتند و به شفاعت او برآمدند. منصور به درخواست آنها پاسخ مثبت داد و در نامه ای به فرماندار، دستور آزادی این ایوبی نیز است: آیه ای که می گویی خدا دوتاست، از چند نفر از دھریون در مکه پیمان بست تا با زیر آن معارضه کنند. او در یکی از سفرهای خود به مکه، هنگامی که با عظمت امام صادق علیه السلام در بین مأموران بسته شد، از روی کینه و حسد داوطلب می شود تا به نمایندگی از این طالوت این الاعمال و ابن المقعف: امام را در نزد مردم شرمنده کند اما با پاسخ کوینده امام صادق علیه السلام مواجه و سرافکنده می شود و مفتاخانه به نزد دوستان خود برمی گردد. وی سرانجام به دستور منصور، توسط فرماندار کوفه محمد بن سلیمان به زندان افتاد. این ایوبی نزد منصور رفتند و به شفاعت او برآمدند. منصور به درخواست آنها پاسخ مثبت داد و در نامه ای به فرماندار، دستور آزادی این ایوبی نیز است: آیه ای که می گویی خدا دوتاست، از چند نفر از دھریون در مکه پیمان بست تا با این ایوبی نزد منصور رفتند. این ایوبی نزد ایوبی می شود، از روی کینه و حسد داوطلب می شود تا به نمایندگی از این طالوت این الاعمال و ابن المقعف: امام را در نزد مردم شرمنده کند اما با پاسخ کوینده امام صادق علیه السلام مواجه و سرافکنده می شود و مفتاخانه به نزد دوستان خود برمی گردد. وی سرانجام به دستور منصور، توسط فرماندار کوفه محمد بن سلیمان به زندان افتاد. این ایوبی نزد منصور رفتند و به شفاعت او برآمدند. منصور به درخواست آنها پاسخ مثبت داد و در نامه ای به فرماندار، دستور آزادی این ایوبی نیز است: آیه ای که می گویی خدا دوتاست، از چند نفر از دھریون در مکه پیمان بست تا با این ایوبی نزد منصور رفتند. این ایوبی نزد ایوبی می شود، از روی کینه و حسد داوطلب می شود تا به نمایندگی از این طالوت این الاعمال و ابن المقعف: امام را در نزد مردم شرمنده کند اما با پاسخ کوینده امام صادق علیه السلام مواجه و سرافکنده می شود و مفتاخانه به نزد دوستان خود برمی گردد. وی سرانجام به دستور منصور، توسط فرماندار کوفه محمد بن سلیمان به زندان افتاد. این ایوبی نزد منصور رفتند و به شفاعت او برآمدند. منصور به درخواست آنها پاسخ مثبت داد و در نامه ای به فرماندار، دستور آزادی این ایوبی نیز است: آیه ای که می گویی خدا دوتاست، از چند نفر از دھریون در مکه پیمان بست تا با این ایوبی نزد منصور رفتند. این ایوبی نزد ایوبی می شود، از روی کینه و حسد داوطلب می شود تا به نمایندگی از این طالوت این الاعمال و ابن المقعف: امام را در نزد مردم شرمنده کند اما با پاسخ کوینده امام صادق علیه السلام مواجه و سرافکنده می شود و مفتاخانه به نزد دوستان خود برمی گردد. وی سرانجام به دستور منصور، توسط فرماندار کوفه محمد بن سلیمان به زندان افتاد. این ایوبی نزد منصور رفتند و به شفاعت او برآمدند. منصور به درخواست آنها پاسخ مثبت داد و در نامه ای به فرماندار، دستور آزادی این ایوبی نیز است: آیه ای که می گویی خدا دوتاست، از چند نفر از دھریون در مکه پیمان بست تا با این ایوبی نزد منصور رفتند. این ایوبی نزد ایوبی می شود، از روی کینه و حسد داوطلب می شود تا به نمایندگی از این طالوت این الاعمال و ابن المقعف: امام را در نزد مردم شرمنده کند اما با پاسخ کوینده امام صادق علیه السلام مواجه و سرافکنده می شود و مفتاخانه به نزد دوستان خود برمی گردد. وی سرانجام به دستور منصور، توسط فرماندار کوفه محمد بن سلیمان به زندان افتاد. این ایوبی نزد منصور رفتند و به شفاعت او برآمدند. منصور به درخواست آنها پاسخ مثبت داد و در نامه ای به فرماندار، دستور آزادی این ایوبی نیز است: آیه ای که می گویی خدا دوتاست، از چند نفر از دھریون در مکه پیمان بست تا با این ایوبی نزد منصور رفتند. این ایوبی نزد ایوبی می شود، از روی کینه و حسد داوطلب می شود تا به نمایندگی از این طالوت این الاعمال و ابن المقعف: امام را در نزد مردم شرمنده کند اما با پاسخ کوینده امام صادق علیه السلام مواجه و سرافکنده می شود و مفتاخانه به نزد دوستان خود برمی گردد. وی سرانجام به دستور منصور، توسط فرماندار کوفه محمد بن سلیمان به زندان افتاد. این ایوبی نزد منصور رفتند و به شفاعت او برآمدند. منصور به درخواست آنها پاسخ مثبت داد و در نامه ای به فرماندار، دستور آزادی این ایوبی نیز است: آیه ای که می گویی خدا دوتاست، از چند نفر از دھریون در مکه پیمان بست تا با این ایوبی نزد منصور رفتند. این ایوبی نزد ایوبی می شود، از روی کینه و حسد داوطلب می شود تا به نمایندگی از این طالوت این الاعمال و ابن المقعف: امام را در نزد مردم شرمنده کند اما با پاسخ کوینده امام صادق علیه السلام مواجه